

حسین - محمد زاده صدیق

تبریز

محمد باقر خلخالی

(۲)

مثنوی ثعلبیه :

چنانکه گفتیم ، یگانه اثری که فعلاً از محمد باقر خلخالی شاعر آذری زبان يك قرن پیش در دست است ، مثنوی اخلاقی و انتقادی صوفیانه ایست ببحر هزج هسدس مقصور در پیرامن هزار و پانصد بیت بزبان آذربایجانی که از چندین لحاظ شایسته بررسی های عمیق است .

علاوه بر آنکه زبان «ثعلبیه» فصیح ، روان و خالی از تکلفات و تصنعیات بیجا و صنایع و آرایشهای لذی منحل معنی و تاحد وسیعی نزدیک بزبان خلق و بلکه ناشی از مدنیت ملی و فولکلور آذری ست ، بلکه سرایندهی آن بعنوان بهترین نمایندهی جامعهی خود با ما صحبت میکند .

خصوصیات جامعهی يك قرن پیش ، فراز و نشیب های زندگی مشقت بار مردم عصر شاعر به بهترین وجهی در این کتاب ترسیم شده است و بطور آگاهانه و هنرمندانه از مواد فولکلور یعنی ترانه ها ، افسانه ها ، ضرب المثلها ، اصطلاحات و تغییرات مردم استفاده شده است .

براینست که گوئیم ، صرف نظر از اینکه مثنوی ثعلبیه از دید ادبی و جنبه‌ی شعریت يك اثر ارزنده و در حد خود يك شاهکار و از آثار کلاسیک طراز اول ادبیات آذری ست ، توان گفت که منبع سرشاری در مطالعه و ترسیم تاریخ فکری ، اجتماعی ، اخلاقی و اقتصادی مردم همزمان سراینده و يك مجموعه گرانبهای فولکلوریک

نیز است .

از لحاظ سادگی و اصالت زبان و کوشش به استفاده از فولکلور ، شاید بتوان بیش از همه ، ملاپناه واقف (۱۰۹۶ - ۱۱۷۶ شمسی) غزلگو و « قوشما » سرای معروف را باو نزدیک دانست ، در حالیکه سراسر فضای ثعلبیه از اشعه های خورشید شاعرانی هنرمند چون نظامی ، فضولی ، خطایی ، نسیمی و جز اینها لرزان است .

با تمام این احوال ، متأسفانه باید پذیرفت که ثعلبیه تا کنون پائین جهانیه که در آن آفریده شده بیرون نهماده است . تا آنجا که اطلاع داریم ، با این کتاب جز در ولایات ایران ، آنهم غیر از « عوام » - که با سرعت عجیبی بسوی کاهش و نیستی میروند - کسی سر و کار ندارد که هیچ . نامش را هم نشنیده است (صرف نظر از گروه انگشت شماری پژوهشگر .) در صورتیکه علاوه بر بیش از ده بار تجدید طبع در شکلهای گوناگون ، چندین بار هم بصورت افست چاپ شده است .

این نه بدان علت است که ثعلبیه در حد عوام سروده شده است بلکه بجهت اینست که هم اکنون در میان ما غیر از این عوام ، کمتر کسی یافت میشود که دلبستگی و آویزشی بزبان ثعلبیه و محمد باقر خلیجالی داشته باشد . و حالا ثعلبیه به کنار ، با کدام یک از متون مشهور و غیر مشهور آشنایی داریم ؟ مگر کسی هست که به - منجبت این مشغله ها و سر گرمیهای قرن بیستمی گرفتار نیاید و اقلایک هزارم نیرویی را که در راه شکم و زیر شکم خود بکار میگیرد ، در طریق صواب صرف کند ؟ عجباً بر ما که مدت مدیدی است دنبال هرفسونی افتاده ایم و آگاه نیستیم اینره که میرویم بکجاست ! بگذریم .

چنانکه ما در این گفتار روشن خواهیم کرد ، مثنوی ثعلبیه بدست کسی پرداخته شده که در علوم و فنون با ارزش عصرش دست داشت و در دانشهای کلاسیک

نام کتاب :

خود محمد باقر خلخالی بنام و عنوان کتابش ، در پایان ، طی ۱۹ بیتی که
بعنوان خاتمه میاورد ، چنین تصریح میکند :

بحمد الله کیتابی (ثعلبیه)

تمام اولدو ، عجب شیرین قضیه !

عوام الناسه یازدیم بو کیتابی ،

موجه اولارلا قیلدیم خیطایی

دئییب چوخ مضحکه ، ائتمم ضرافت

اونون ضمنینده هم یازدیم نصیحت

نه چونکو خالقا حق آجی کلیدیر ،

ضرافت سؤزلری شیرین اولو بدور

قاریشدیردیم ایکی سین ، گلدی حاله ،

یئیشدی منتهای - ی اعتداله... (ص ۷۸) ☆

(ترجمه: شکر که کتاب «ثعلبیه» که در آن طرف صحبتیم عوام الناس بود و لایق

شنیدن خطا بھایم هم آنها، پایان پذیرفت. در این کتاب من خیلی مضحکه گفتم و شوخی

کردم و در ضمن آن به اندرز های فروانی نیز پرداختم ، حرف حق رگ همیشه تلخ

است اما بیگمان در لباس شوخی ، شیرین و خوشایند خواهد بود . من این دورا

بهم آمیختم تا به منتهای اعتدال رسید !)

بیرینین سؤزلری مات ائتمیش عاغلی ،

بیری یازمش منیم تک «تولکو ناغلی!» ص ۴

(*) تمام اشارات در این مقاله ، مربوط است به «ثعلبیه» چاپ تبریز ، ۱۳۷۵ ق .

معروف به « ثعلبیه » است و تمام چاپها هم با این عنوان بیرون داده شده اند .
واژهی « ثعلب » در زبان تازی بمعنای روباه آمده است و ظاهراً نر و ماده
هر دو بدین نام خوانده میشوند و یا ماده را ثعلبه و نر را ثعلبان (به ضم اول و سوم)
گویند و جمعش ثعالب است .

انتخاب ترکیب « ثعلبیه » که بشیوهی زبان تازی نادرست و نارساست و مثلاً
می بایستی ثعلبی (با تشدید یاء) یعنی منسوب به ثعلب یا « قصة الثعلبية » و یا
« منظومة الثعلبية » و یا « کتاب الثعلب » و جز آن گفته میشود . شاید خود از طرف
مؤلف یک « مضحکه » باشد و شاید هم (همچنانکه متن کتاب مدلل میدارد) وی
ابتداً پابند لفظ و ظواهر نبوده و با اصرار بگزارش راست و درست خواست و دریافت
خود می پرداخته است .

بهر جهت - چنانکه پیش از این هم گفتیم - ترجمهی فارسی این کتاب زیر
عنوان « روباه نامه یا ترجمهی ثعلبیه » بیرون داده شده است .

تاریخ اتمام کتاب :

محمد باقر خلخالی در انجام کتاب در شناسایی خود و تاریخ فراغت از سرودن
آن ایجازاً چنین گوید :

خبر آلسا بیری آدیسی بیلغرض ،

ئوزوم ئوز آدیسی قوی ائیله بیم عرض :

فینون ی معرفدن خالیام من ،

محمد باقر - ی خالخالیام من .

بو فردین آخیرین نظمی صاوابی ،

بیان ائیلیدی تاریخ ی کیتابی ص ۸۸

(ترجمه : خبرگیری . گراز نام و مکانم ، بشنو حالا بگویم خویش نامم :
 من نا آگاه از فنون معرفت . محمد باقر خلخالیم . پسین مصراع این نظم صوابم ،
 بیان کرده‌ست تاریخ کتابم .)

پس ماده‌ی تاریخی در این سه بیت وجود دارد و آن بیت دوم است با این طرز
 نگارش :

فنون معرفتدن خالیم من محمد باقر خلخالیم من

که از آن سال ۱۳۱۱ بدست میاید .

دور نیست که تکیه‌ی شادروان محمد علی تربیت هم‌براین بیت بوده باشد که
 در « دانشمندان آذربایجان » سال فراغ از کتاب را تعیین میکند . گذشته از آن خود
 خلخالی در پایان کتاب چندیتی در مدح ناصرالدین شاه قاجار می‌آورد (که در اغلب
 چاپهای متاخر حذف شده است) و مترجم فارسی ثعلبیه با ترجمه‌ی آن ابیات اشاره
 میکند که کتاب در عهد شاه مذکور پایان یافته است . با علم باینکه ناصرالدین شاه
 قاجار بسال ۱۳۱۳ ق . (۱۲۷۵ ش .) بدست میرزا رضای کرمانی کشته شد ، توان
 گفت که کتاب جای گفتگو دوسال پیش از قتل وی پایان یافته است .

تأثرات خلخالی

۱ - تأثر از ملاعلی زنجانی .

چنانکه پیش از این اشاره کردیم ، ملاعلی بن ملاکل محمد بن علیمحمد
 قارپوزآبادی زنجانی (۱۲۰۹-۱۲۹۰ ق .) مدت مدیدی سمت استادی محمد باقر
 خلخالی را داشت و اندکی از اطلاعاتی که در باره‌ی وی داشتیم نگاشتیم در باره
 وی آنچه برای ما محقق و لازم است ، اینست که او در علومی که در عصرش با ارزش

بحساب می‌آمد، استاد بود و در اطراف و اکناف شهرتی بسزا داشت و ازیکه تازان میدان دانش عهدش بشمار میرفت.

و آنچه که مسلم است اینکه خلیجی سالهای زیادی از عمرش را در شاگردی وی گذرانده و تا درجه‌ی اجتهاد رسیده و مانند او بشغل قضاوت پرداخته و برمسند روحانیت تکیه زده است.

ملاعلی جز اینکه در زندگی و حیات محمد باقر نقشی مؤثر داشته، تأثیر عمیق افکارش در سرتاسر کتاب ثعلبیه بثررفی ملموس است و ما در این باره در «افکار خلیجی» بگشادی سخن خواهیم گفت.

وی مردم را در کارهای الهی و قضا و قدر به تسلیم محض دعوت می‌کند، زنان را تقبیح می‌نماید، کامیابی و بر خوداری از لذات اینجهانی را ممنوع می‌سازد، دنیا را به یک زن هرزه و بدکاره مانند کرده به عشق‌های موهوم دل می‌بندد، روی زشتکاریها و ناپاکیهای خود بوسلیه‌ی «حکمت عملی» پرده می‌کشد، حدیث «من خرج عن زیه قدمه هدر» را تفسیر و توجیه می‌کند، فقرا را به نعمت‌های دار عقبا وعده می‌دهد و خود به خوش روزگاری می‌پردازد و مانند آن که بما این امکان را می‌دهد که او را بهترین شاگرد ملاعلی و درخشانترین چهره‌ی یک «روحانی در خدمت فتووالیته» بشناسیم.

علاوه بر آن چنانکه پیش از این هم اشاره‌ای کردیم، خلیجی حکایاتی از زبان «ملاکل میرزا» نامی روایت می‌کند. مثلاً:

مناسب‌دور بویشرده بیر حکایت کی ائیلیب «موللا گول میرزا»

روایت . . . ص ۷

قولاق وئر تا دئییم بیرجه حکایت ائد بیدیر «موللا گول میرزا»

روایت . . . ص ۶۱

و غیره که قراین (و از آنجمله محتوی حکایات که نزدیکی تامی به افکار ملاعلی دارند) ما را بدین فکر میاندازد که شاید ملاعلی داستهایی از زبان پدرش (یعنی گل محمد قارپوزآبادی) به خلخال نقل کرده و از وی خواسته است که آنها را منظوم کند و خلخال بعداً گزیده‌ای از آنها را در کتاب ثعلبیه (که از تلفیق آن حکایات و چند حکایت فولکلوریک بوجود آمده است) گنجانده باشد :

در هر صورت این برای من مسلم است که نام «ملا گل میرزا» که در کتاب ثعلبیه آمده، با نام استاد خلخال از تباط کاملی دارد و این دو از هم جدا نیست .

دنباله در شماره دیگر

اندرز

یکی از حکماء پسر را نهی میکرد از سیر خوردن که سیری شخص
را رنجور دارد پسر گفت گرسنگی نیز بکشد نشنیده ای که ظریفان
گفته‌اند به سیری مردن به که گرسنگی بردن گفت ای پسر اندازه نگه‌دار
بیت :

نه چندان بخور کز دهانت بر آید

نه چندان که از ضعف جانت بر آید

(سعدی)